

واکاوی چگونگی به رسمیت شناختن تفاوت‌های افراد در مبانی اجتماعی اسلام از منظر استاد شهیدمر تفضی مطهری

# جامعه اسلامی میدان مسابقه است نه منازعه

اعتقاد به جامعه باز بدون هیچ قید و شرطی دارد، بلکه ایشان معتقد بر متر و ملاک‌هایی برای جامعه‌ای باز است که در آن هر کس بتواند توانایی‌ها و استعداد‌های خود را شکوفا و به تناسب آن از نعمات مادی و معنوی بهره‌مند شود. شرح مبسوط نظر شهیدمطهری را در ادامه می‌خوانید.

و میزان سعی و تلاش افراد باشد، نه اینکه حاصل شرایط نامساوی افراد شرکت‌کننده در مسابقه باشد. به‌عبارت دیگر نباید میان شرکت‌کنندگان در یک مسابقه در غیر آنچه مربوط به استعداد، هنر و لیاقت است فرق گذاشته شود. به فرض نباید فردی را تنها به صرف سفید بودن، غنی بودن، داشتن توصیه و پارتی و قرابت به داور پیروز اعلام کرد و این دقیقاً مرز میان تفاوت‌های بجا و بیجا و تبعیض‌های روا و نارواست و همین جاست که در تعریف عدالت از منظر اسلام آمده است: «الْعَدَالَةُ أَهْلُهُ كُلُّ ذِي حَقٍّ حَقُّهُ».

■ **استنادات نقلی در مبانی حقوق اجتماعی اسلام** شهید برای اثبات استدلال‌های خود به حدیثی از پیامبر اکرم(ص) اشاره می‌فرماید که در آن آمده: «لَأَناسٍ كَانَتْهُمْ الْمَسْئَةُ: مردم مثل دندان‌های شانه هستند و همه با هم برآیند.» همچنین جمله دیگری از پیامبر(ص) نقل می‌فرماید که در آن می‌خوانیم: «أَنْ رَبَّكَمُ وَاحِدٌ وَأَنْ أَبَاكُمُ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ مِنْ أَدَمَ وَنَحْنُ مِنْ ثَرَابٍ.» و براساس این دو جمله نتیجه می‌گیرند که هیچ ملاحظه شخصی و تبعیض و تفاوت و تقدیمی بر غیر مبنای فضیلت و تقوا و عمل و لیاقت نباید در کار باشد و به همین ترتیب تقدم‌هایی مبنی بر فضیلت، تقوا و عمل باید مقرر شود.

■ **استنادات قرآنی در مبانی حقوق اجتماعی اسلام** استادمطهری همچنین آیاتی از قرآن را به‌عنوان پشتوانه‌های نظر مدعی خود در باب موضوع مطرح می‌آورد. اولین استناد ایشان به آیه ۱۳ سوره حجرات است که در این آیه ضمن رد امتیازاتی مبنی بر رنگ، نژاد، جنس و خون می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُنُوا عِزَّةً وَلَاحِقَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا، الْفِتْنَةُ كَافَّةٌ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین شهید به آیه دیگری از قرآن کریم استناد دارند که براساس آن هرگز عالم و جاهل و متقی و غیرمتقی مساوی نیستند. در آیه ۲۸ سوره «ص» آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

این سخنرانی در کتاب بیست گفتار به همت انتشارات صدرا به چاپ رسیده است و در این مقال در پی ارائه شاکله کلی آن هستیم. شهیدمطهری (ره) نه همچون جریان چپ مارکسیستی معتقد به برابری کامل و عدم وجود هیچ‌گونه تفاوتی در جامعه است و نه همچون جریان راست لیبرال

میان افراد جامعه تفاوت‌های بجایی وجود داشته باشد، ملاک بجا و بیجا بودن و روا و ناروا بودن تفاوت‌ها چیست؟ اینها سؤالاتی است که استاد شهیدمر تفضی مطهری، از شاگردان برجسته مر حوم علامه طباطبایی(سی(ره)، طی سخنرانی در ۲۳ رمضان ۱۳۴۱ تلاش دارند به آن پاسخ گویند. متن کامل

آیا هر نوع تفاوتی که در جامعه بین افراد باشد، مخالف عدالت است؟ و آیا مقتضای عدالت این است که افراد هیچ امتیازی بر یکدیگر نداشته باشند؟ یا آنکه مقتضای عدالت این است که افراد نسبت به یکدیگر امتیاز بیجا نداشته باشند، تفاوت و تبعیض ناروا در میان‌شان نباشد؟ و اگر حق آن است که



خود را کسب کند. از نظر شهیدمطهری این مسابقه باید آنچنان منظم و دارای حسن جریان باشد که در آن شئون تجلّل الذین امنوا و عملوا الصالحات کالْمُسْدِينِ فی الارض امّ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ کَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»



از نظر شهیدمطهری نظام اجتماعی اسلام در عین آنکه امتیازات طبقاتی را لغو کرده و به جامعه‌بی طبقه معتقد است، اما حقوق و امتیازات واقعی فرد را نادیده نمی‌گیرد و فرد را از نظر شخصی در مقابل اجتماع ناچیز نمی‌انگارد

می‌شود، اما شهیدمطهری این را در توضیحات خود رد کرده و مرز مشخصی میان نظریه خود و نظریات این دسته از اندیشمندان قائل می‌شود. ایشان طبع زندگی و لازمه طبیعت زندگی را «جدال و مخاصمه» نمی‌داند، اما لازمه زندگی را «مسابقه‌بقا» ذکر کرده و معتقد است زندگی اگر آموزش و پرورش ویژه‌ای باید در نظر گرفت تا افراد هر طبقه برای شغل ویژه‌ای که در آینده انتخاب می‌کنند، تربیت شوند. شهیدمطهری بر خلاف این نظر معتقد است، قانون خلقت به پیشانی احدی ننوشته که تو باید حتماً در فلان حد و مقام قرار بگیری و فلان وظیفه را انجام دهی، بلکه میدان علاوه بر این همان‌گونه که در پیکر انسان هر عضو جایگاهی عمل برای همه وسیع است، همه انسانند، همه عقل دارند،



همه اراده و اختیار دارند و همه برای خود شخصیت قائلند و تنها ملاک و مینا برای تقسیم وظایف در جامعه و تعیین مناسب و جایگاه‌ها، تبدیل میدان جامعه به میدان مسابقه است، به نوعی که همه افراد مختلف بدون اراده و اجبار و به صورت آزادانه حق شرکت در مسابقه را داشته باشند تا هر کسی متناسب باذوق، استعداد، لیاقت و فعالیت خود بتواند مقام، شغل و کاری را حیازت کند!

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»



فقط حق عضویت خاصی را دارند، حق هر گونه عضویتی را دارند و این حق به سبب فعالیت و لیاقت آنها مشخص می‌شود، بدین معنا که تکلیف افراد از نظر اینکه چه عضوی باشند و چه مقام و درجه‌ای داشته باشند و از نظر اینکه چه نوع شغلی و خدمتی باید به اجتماع کنند، همچون آنچه در میان حیوانات وجود دارد، به شکل غریزی و طبیعی معین نمی‌شود، بلکه فرد نسبت به جامعه مقام معین ندارد و اختیار، انتخاب، آزادی و سلیقه آن را تعیین می‌کند، بنابراین مقام‌ها، شغل‌ها و پست‌ها برای افراد یک اجتماع قابل تعویض و تبدیل و تغییر است.

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»

همچنین است آیه ۹۵ سوره نسا که در آن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَعْلَمَ الْعَالَمِينَ كَأَلْفَسْدِينٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ تُفَعِّلُونَ الْمُتَعَفِّينَ؟ كَالْفَخَّارِ: آیا ممکن است که ما اهل ایمان و اهل عمل صالح را که صالح و مصلح‌اند، با فاسدکنندگان و خرابی‌کنندگان که آنچه از آنها سرمی‌زند خرابی و فساد است در یک درجه و یک مرتبه قرار دهیم؟ آیا ممکن است که ما اهل تقوا را همدوش و هم درجه شهوت‌ران‌ها و بندگان هوا و هوس قرار دهیم؟»



تعاریف و تفاوت‌های عرفان و اخلاق از منظر آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی در تشریح عرفان (نظری و عملی)، تفاوت‌های آن با وحی و اخلاق در صفحات ۲۴۷ تا ۲۵۰ کتاب دین‌شناسی که از سلسله بحث‌های فلسفه دین و به همت مرکز نشر ائرا منتشر شده است، توضیحاتی مختصر و کاملی را می‌فرمایند که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید.

■ **عرفان نظری و عرفان عملی** همان‌گونه که تجربه دینی مؤمنان در مسائل دینی با وحی انبیا فرق دارد، تجربه عرفانی و شهودی عارفان نیز با وحی انبیا تفاوت دارد، ولی پیش از بیان این فرق، به عرفان و شهود عارفان اشاره می‌شود. عرفان دارای دو بخش است، بخش عملی و بخش نظری، بخشی عملی عارفان، رابطه و وظایف انسان را با خود، جهان و خدا توضیح می‌دهد. در این بخش از عرفان بیان می‌شود که انسان چگونه می‌تواند به قله جایی می‌رسد که به وحدت شهود، راه می‌یابد، اما در بخش نظری عرفان جهان‌بینی عارف بیان می‌شود.

عارف، وقتی به سیر و سلوک و تجربه عرفانی مشغول است، حقایقی برای او کشف می‌شود و محصولات حال با گذشته خود را در خواب یا بیداری، در مثال متصل یا منفصل می‌یابد. وقتی وی چیزی را یافت، معیاری می‌طلبد که با آن مشهودهای خود را بسنجد، زیرا بسیاری از عارفان به شهود یا یکدیگر اختلاف داشته و دارند و گاهی مشخص می‌شود که مشهود عارف اشتباه است. از این رو، به معیار و میزانی نیاز دارد تا مشهودات صحیح و ربانی را از مشهودات باطل و شیطانی جدا کند. البته اگر عارفان در سیر و سلوک، تابع شریعت و ولایت اهل بیت هم باشند و راه صحیح را طی کنند، گوشه‌ای از علوم شهودی انبیا و اولیا به آنها می‌رسد؛ چنانکه گوشه‌ای از علوم حصولی به آنها رسیده است.

■ **فرق وحی و تجربه عرفانی** بنا بر آنچه گذشت، وحی با تجربه عرفانی فرق دارد، زیرا اولاً در بین انبیا اختلافی نیست، بلکه یافته‌های انبیا با یکدیگر اتفاق دارد و موافق هم است، از این رو، در قرآن کریم آیه ۹۷ سوره بقره آمده است: «مصدقاً لما بین یدیه» یعنی پیامبر پسین، پیامبر پیشین را تصدیق می‌کند؛ چنان که پیامبر سابق به پیامبر آینده بشارت می‌دهد. ثانیاً اگر در برخی موارد یافته‌های انبیا اختلاف دارد، آن اختلاف نیز پیش‌بینی شده است.

بنابراین، وحی، سنخ خاصی از علوم شهودی است که با مشاهدات عرفا فرق دارد، زیرا عرفا در شهود دچار اختلاف و خطا می‌شوند، چون گاهی مشاهدات خود را در مثال متصل می‌بینند و زمانی در مثال منفصل، ولی انبیا ی الهی پیوسته از مثال منفصل خبر می‌دهند، زیرا همان را مشاهده کرده‌اند.

■ **فرق عرفان و اخلاق** علم اخلاق، بخشی از فلسفه است و با عرفان ارتباط ندارد، زیرا موضوع و مسائل علم اخلاق، نفس و تهذیب شوون نفس، شناخت فضایل و زایل آن، راه تحصیل فضایل و پرهیز از زایل و ماندن آن می‌باشد. اصل وجود نفس و تجرد آن و شوون و قوای ادراکی و تحریکی‌اش در فلسفه ثابت می‌شود، آن گاه در علم اخلاق درباره کیفیت تخلق وی سخن به میان می‌آید.

در اخلاق، انسان متخلق به فضایل می‌شود و واجبات را انجام می‌دهد و مستحبات را ترک نمی‌کند و نیز از حرام پرهیز و مکروهات را ترک می‌کند و برای رضای خدا کار و تلاش می‌کند، ولی همه اینها در محور تهذیب نفس است. اما در عرفان، اولاً عارف تلاش و کوشش دارد که واحد حقیقی یعنی خدای سبحان و جمال و جلال او را مشاهده کند و توحید ذاتی و توحید اوصاف و افعال و آثار را ببیند. ثانیاً عارف از حد تهذیب نفس می‌گذرد، زیرا تهذیب نفس از پله‌های سکوی پرواز عارف است، یعنی عارف، زمانی در سکوی پرواز قرار می‌گیرد که متعلق به اخلاق خوب بوده و با تهذیب نفس تزکیه شده و واجبه‌ها و مستحبات را انجام داده باشد. ثالثاً همان‌گونه که عرفان، برتر از فلسفه است و اخلاق پایین‌تر از فلسفه، عارف نیز برتر از فیلسوف است و متعلق نیز پایین‌تر از فیلسوف، البته به صورتی که فیلسوف، الهی و عالم به عمل باشد.